

سیمین بهبهانی:



هرگز نخواب کورش!

دارا جهان ندارد، سارا زبان ندارد
بابا ستاره‌ای در هفت آسمان ندارد

کارون ز چشمه خشکید، البرز لب فرو بست
حتا دل دماوند، آتش‌فشان ندارد

دیو سیاه دربند، آسان رهید و بگریخت
رستم در این هیاهو، گرز گران ندارد

روز وداع خورشید، زاینده‌رود خشکید
زیرا دل سپاهان، نقش جهان ندارد

بر نام پارس دریا، نامی دگر نهادند
گویی که آرش ما، تیر و کمان ندارد

دریای مازنی‌ها، بر کام دیگران شد
نادر ز خاک برخیز، میهن جوان ندارد

دارا! کجای کاری، دزدان سرزمینت
بر بیستون نویسند، دارا جهان ندارد

آییم به دادخواهی، فریادمان بلند است
اما چه سود، اینجا نوشیروان ندارد

سرخ و سپید و سبز است این بیرق کیانی
اما صد آه و افسوس، شیر ژیان ندارد

کو آن حکیم توسی، شهنامه‌ای سراید
شاید که شاعر ما دیگر بیان ندارد

هرگز نخواب کوروش، ای مهرآریایی
بی نام تو، وطن نیز نام و نشان ندارد